

## تغییرات زیستی ناشی از ناهماهنگی شناختی بر اساس شخصیت و سبک‌های تصمیم‌گیری

سعید ایمانی<sup>۱\*</sup>، مریم زارع<sup>۲</sup>، علیرضا آقا یوسفی<sup>۳</sup>، حسین زارع<sup>۴</sup>، فرهاد شفاقی<sup>۵</sup>

۱. استادیار روانشناسی بالینی، گروه روانشناسی بالینی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی شهید بهشتی، تهران، ایران

۲. دکتری روانشناسی، گروه روانشناسی دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

۳. دانشیار روانشناسی، گروه روانشناسی دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

۴. استاد روانشناسی، گروه روانشناسی دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

۵. استادیار روانشناسی، گروه روانشناسی دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

\* نویسنده مسئول: سعید ایمانی، گروه روانشناسی بالینی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی شهید بهشتی، تهران، ایران.  
s\_imani@sbu.ac.ir

تاریخ پذیرش: خرداد ۱۳۹۵

تاریخ دریافت: اردیبهشت ۱۳۹۵

نحوه استناد به این مقاله:

Imani S, Zare M, Aghayoosefi A, Zare H, Shaghghi F. Predicting of Physiological Changes through Personality Traits and Decision Making Styles. Community Health 2016; 3(3): 211-18.

## چکیده

**زمینه و هدف:** یکی از مفاهیم مهم روانشناسی اجتماعی، ناهماهنگی شناختی است. زمانی که عمل ما در تعارض با نگرش‌های پیشین ما قرار دارد، اغلب نگرش خود را به نحوی تغییر می‌دهیم که هماهنگ با عملمان شود، این پدیده «ناهماهنگی شناختی» نامیده می‌شود. هدف از این مطالعه تعیین و ارائه مدلی از رابطه سبک‌های تصمیم‌گیری و ویژگی‌های شخصیتی با تغییرات زیستی ناشی از ناهماهنگی شناختی بود.

**روش و مواد:** این مطالعه به روش همبستگی انجام شد. در این مطالعه از ۱۳۰ دانشجوی دانشگاه علمی کاربردی صفادشت که از طریق نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شده بودند، خواسته شد پرسشنامه‌های سبک‌های تصمیم‌گیری Scott & Bruce و شخصیت Gray-Wilson را تکمیل کنند. قبل و بعد از پر کردن پرسشنامه‌ها شاخص‌های زیستی آن‌ها ارزیابی شد. برای ایجاد ناهماهنگی شناختی از آن‌ها خواسته شد، ابتدا افت علاقه خود را نسبت به شخصیت محبوبی که با بی‌اعتنایی با یک کودک برخورد می‌کرد، مشخص کنند و سپس در مورد لزوم کاستن از مقرری سازمان بهزیستی برای کودکان بی‌سرپرست انشا بنویسند. برای تحلیل داده‌ها از رگرسیون و تحلیل مسیر استفاده شد.

**یافته‌ها:** متغیرهای شناختی (سبک‌های تصمیم‌گیری اجتنابی، وابسته، منطقی و شهودی) و شخصیتی (گریز، روی آوری، اجتناب فعال، جنگ و خاموشی) با ناهماهنگی شناختی ارتباط داشتند و اثر این متغیرهای شخصیتی و شناختی بر شاخص‌های زیستی نیز به طور غیرمستقیم و از طریق ناهماهنگی شناختی در سطح  $P = 0/01$  و  $P = 0/05$  معنادار شد.

**نتیجه‌گیری:** مطالعه نشان داد که سبک‌های تصمیم‌گیری و ویژگی‌های شخصیتی، تغییرات زیستی ناشی از ناهماهنگی شناختی را پیش‌بینی می‌کنند.

**واژگان کلیدی:** تغییرات زیستی، سبک‌های تصمیم‌گیری، ناهماهنگی شناختی، ویژگی‌های شخصیتی

## مقدمه

پرنفوذ روانشناسی است (۲). به‌عبارتی یک مدل روانشناختی است و به ایدئولوژی‌ها و ساختارهای ذهنی خاصی اشاره دارد که ساختارهای اساسی تجربی وابستگی به مسیر و تأکید بر تعادل را نشان می‌دهند (۳). عوامل مختلفی می‌توانند بر این ناهماهنگی شناختی اثر

زمانی که عمل ما در تعارض با نگرش‌های پیشین ما قرار دارد، اغلب نگرش خود را به نحوی تغییر می‌دهیم که هماهنگ با عملمان شود، این پدیده «ناهماهنگی شناختی» (۱) نامیده می‌شود و وامدار یکی از نظریه‌های

بگذارند یا به نحوی با آن همبستگی داشته باشند، از جمله منبع کنترل (۴)، موسیقی (۵ و ۶)، ارتباط بین فردی (۷-۹)، ساختارهای ذهنی (۱۰)، تصمیم‌گیری (۱۱-۱۵)، عزت نفس (۱۶-۱۷) و نیز شخصیت (۱۸-۲۱).

نکته اصلی در مطالعات یادشده در حیطه شخصیت بدین شرح است که اغلب از آزمون‌هایی مثل پرسشنامه شخصیت Eysenck's یا پرسشنامه شخصیت ۵ عاملی (NEO) برای بررسی ویژگی‌های شخصیتی بهره برده‌اند (۱۸-۲۰)، که شاید نتوانند نقش عوامل زیستی در شخصیت را به خوبی نشان دهند و یا اینکه با در نظر گرفتن اختلالات شخصیت همچون اختلال شخصیت ضداجتماعی (۱۹ و ۲۱)، مطالعه را شکل داده‌اند. از سوی دیگر سایر مطالعات یا موارد شخصیتی را در نظر گرفته یا علائم و آثار زیستی و عصب‌شناختی ناهماهنگی شناختی را بررسی کرده‌اند (۲، ۲۲ و ۲۳)، یا به طور جداگانه به بررسی مسائل شناختی خاصی همچون سبک تصمیم‌گیری پرداخته‌اند (۱۱-۱۵)، پس از آنجا که پژوهش‌هایی که تا کنون بر ناهماهنگی شناختی از سال ۲۰۰۷ به بعد انجام گرفته‌اند، دید همه‌جانبه‌ای در مورد شخصیت با در نظر گرفتن زیربنای زیستی آن به دست نمی‌دهند. به دلیل به کار بردن پرسشنامه‌هایی که یا مانند پرسشنامه چندوجهی شخصیت Minnesota سرچشمه مرضی داشته و یا مانند پرسشنامه شخصیت ۵ عاملی تنها به عوامل مرتبه دوم و عمقی شخصیت بسنده می‌کنند و علاوه بر آن اغلب پاسخ‌های زیستی را در این رابطه نیز نادیده گرفته‌اند. با این حال ناهماهنگی شناختی می‌تواند حالتی از پریشانی، استرس و برانگیختگی ایجاد کند که خود این حالات هیجانی، پیامدهای زیستی به دنبال دارند. از سوی دیگر هرچند پژوهش‌هایی وجود دارند که بر ارتباط یک عامل شناختی خاص همچون تصمیم‌گیری با ناهماهنگی شناختی صحنه می‌گذارند (۱۱-۱۵)، اما در هیچ یک از آن‌ها این ارتباط با در نظر گرفتن شاخص‌های زیستی صورت نگرفته است.

بنابراین هدف عمده مطالعه حاضر تعیین ناهماهنگی شناختی با پیش‌آیندهای شخصیتی و نیز سبک‌های تصمیم‌گیری، علاوه بر پس‌آیندهای زیستی همچون ضربان قلب، تنفس و فشار خون و یا به عبارتی رابطه

عوامل شخصیتی با پاسخ‌های زیستی یا میانجیگری ناهماهنگی شناختی و ارائه مدلی در این باره بود. سؤال-هایی که به دنبال پاسخ آن‌ها بودیم، عبارت بودند از: ۱- آیا رگه‌های شخصیت می‌توانند علائم فیزیولوژیک ناشی از ناهماهنگی شناختی را پیش‌بینی کنند؟ ۲- آیا سبک‌های تصمیم‌گیری می‌توانند علائم فیزیولوژیک ناشی از ناهماهنگی شناختی را پیش‌بینی کنند؟

### روش و مواد

طرح آزمایشی مورد استفاده از آنجا که انتخاب غیرتصادفی بود و نیز در آن انتصاب آزمودنی‌ها هم وجود نداشت و از سویی از گروه کنترل نیز استفاده نمی‌شد، شبه آزمایشی دارای پیش آزمون و پس آزمون، بود. از سوی دیگر به علت بررسی همبستگی و پیش‌بینی‌پذیری بین متغیرها می‌توان آن را در زمره مطالعه‌های دارای طرح همبستگی نیز جای داد. از میان ۲۵۶۸ دانشجوی دانشگاه علمی کاربردی صفادشت، تعداد ۱۳۰ نفر به روش نمونه‌گیری در دسترس برای شرکت در مطالعه دعوت شدند. تعداد آزمودنی‌ها با استفاده از نرم افزار G-power-3 انتخاب شد. حجم نمونه با اندازه اثر ۰/۱۵ و توان ۰/۹۵ برای تحلیل رگرسیون چندمتغیری با استفاده از این نرم‌افزار برابر با ۱۰۷ نفر که با ۲۰٪ افزایش حجم نمونه معادل با ۱۳۰ نفر تعیین شد. معیار ورود به مطالعه عبارت بود از سن بین ۱۹ تا ۲۵ سال (کنترل کردن سن و تا حدودی مقطع تحصیلی)، عدم ابتلا به بیماری‌های شدید روانپزشکی مثل سایکوز (به دلیل فقدان جهت یابی و ناتوانی در پاسخدهی به سؤال‌ها) و اختلالات شخصیت و نبود سابقه خودکشی (همبودی افسردگی یا اختلالات سازگاری شدید به نحوی که می‌تواند بر نتایج اثر بگذارد) و عدم مصرف داروهای روانپزشکی (تغییر در شرایط آزمودنی و احتمال اثرگذاری بر نحوه پاسخدهی به سؤال‌ها).

پرسشنامه شخصیتی Gray Wilson: یک پرسشنامه خودارزیابی شخصیتی و شامل ۱۲ ماده است که توسط Willson & Barret (۱۹۸۹) طراحی شده و میزان فعالیت سیستم‌های فعال‌ساز رفتاری (با مؤلفه‌های روی‌آوری و اجتناب فعال)، بازداری رفتاری (با مؤلفه‌های اجتناب منفعل و خاموشی) و جنگ-گریز (با مؤلفه‌های

تصمیم‌گیری Scott & Bruce و شخصیت Gray-Wilson را پرکنند ولی قبل از آن، شاخص‌های زیستی آن‌ها همانند ضربان قلب، فشار خون و تعداد تنفسشان ثبت گشت. در هنگام اجرای مطالعه و برای بررسی و ایجاد ناهماهنگی شناختی، دو سری پرسشنامه در اختیار آن‌ها قرار گرفت. در پرسشنامه اول که منطبق بر مطابق با الگوی استفاده‌شده در مطالعه منصوری سپهر، خداناه‌ی و حیدری (۱۳۹۱) موضوعی برای ایجاد ناهماهنگی انتخاب شد و متنی متناسب با نمونه پژوهشی طراحی گشت که طی آن شرکت‌کنندگان با تجسم یک رویداد دچار ناهماهنگی شناختی شوند. به این ترتیب که از شرکت‌کنندگان خواسته شد شرایطی را تصور کنند که یکی از افراد مشهور و مورد علاقه‌شان، کودکی را که از او خواسته است دفترچه‌های خودش و دوستانش را امضا کند، طرد می‌کند و برای این کار، دلیل ضعیف و غیرقابل قبولی می‌آورد (توجیه ناکافی و ناهماهنگی شناختی) پس از آن، شرکت‌کنندگان میزان افت محبوبیت آن فرد را در نزد خودشان، به‌عنوان معیاری برای کاهش ناهماهنگی، روی یک مقیاس لیکرت نه درجه‌ای نشان دادند. پس از آن و در مرحله دوم، منطبق با الگوی استفاده‌شده در مطالعه منصوری سپهر، باقریان و حیدری (۱۳۹۰)، از شرکت‌کنندگان خواسته شد در حمایت از این عبارت: «لزوم کاستن از مقدار مستمری ماهانه سازمان بهزیستی به کودکان یتیم و بی‌سرپرست»، یک انشا بنویسند. از آنجا که آزمودنی‌ها می‌بایست علیه چیزی که به آن باور داشتند، مطلب می‌نوشتند، باز هم درگیر ناهماهنگی شناختی شدند. در پایان این مرحله بلافاصله و بار دیگر شاخص‌های زیستی آزمودنی‌ها ارزیابی شد.

برای تحلیل نتایج از ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون و از نرم افزار آماری SPSS-19 استفاده شد.

#### یافته‌ها

شرکت‌کنندگان در این مطالعه ۶۰ (۴۶/۲٪) نفر زن و ۷۰ (۵۳/۸٪) نفر مرد بودند. میانگین (انحراف معیار) سن مشارکت‌کنندگان ۲۲ (۲/۲) سال بود. رشته تحصیلی ۶۳ (۴۲/۳٪) نفر امور فرهنگی و ۶۷ (۵۷/۷٪) نفر حسابداری مالی بود.

نتایج آزمون کولموگراف-اسمیرنف حاکی از توزیع نرمال

جنگ و گریز) را می‌سنجد. به‌منظور هنجاریابی، ۴۰۸ نفر از دانشجویان (۲۳۵ دختر و ۱۷۳ پسر) با روش تصادفی طبقه‌ای انتخاب شده و این پرسشنامه را همراه پرسشنامه شخصیتی آیزنک (Eysenck's personality Questionnaire) تکمیل نمودند. تحلیل عاملی مواد پرسشنامه نشان داد که مدل دو عاملی Gray بهتر از مدل گسترش‌یافته سه‌عاملی او با داده‌ها مطابقت دارد. همچنین با استفاده از آزمون آماری t مستقل مشخص شد، الگوی نمرات مؤلفه‌های پرسشنامه در دو گروه دختران و پسران تفاوت دارد. در مجموع ضرایب آلفای کرونباخ مؤلفه‌ها (بین ۰/۶ و ۰/۷) و ضرایب همبستگی بین مؤلفه‌های دو پرسشنامه نشان می‌داد که دارای اعتبار و روایی مناسبی در دانشجویان ایرانی است (۲۴).

پرسشنامه سبک‌های پرسشنامه سبک‌های تصمیم‌گیری (Scott & Bruce): ۲۳ گزینه این پرسشنامه در قالب چهار عامل یعنی چهار نوع سبک تصمیم‌گیری قادر به سنجش سبک تصمیم‌گیری پاسخ‌دهنده است نمره‌گذاری می‌شوند. برای نمره‌گذاری، پاسخ‌ها به‌ترتیب از ۱ تا ۵ Scott & Bruce (۱۹۹۵) نیز پس از اجرای این پرسشنامه و تحلیل عاملی آن پنج سبک تصمیم‌گیری به‌دست آورد و آلفای کرونباخ آن را از ۰/۶۸ تا ۰/۹۴ گزارش کرد. همچنین این پرسشنامه توسط Hoblimitoglu (۲۰۰۸) در بین دانشجویان دانشگاه آنکارا اجرا کرد و چهار سبک تصمیم‌گیری استخراج کرد. در ایران نیز این پرسشنامه توسط زارع و اعراب شیبانی (۱۳۹۰) بر روی دانشجویان دانشگاه پیام نور هنجاریابی شده و آلفای کرونباخ برای هر یک از عوامل تصمیم‌گیری منطقی، تصمیم‌گیری اجتنابی، تصمیم‌گیری وابسته و تصمیم‌گیری شهودی، به‌ترتیب ۰/۶۳، ۰/۶۸، ۰/۷۱ و ۰/۸۹ به‌دست آمد. به‌منظور بررسی روایی سازه مقیاس در مطالعه یادشده از همبستگی‌های به‌دست آمده از سبک‌های این پرسشنامه و مقیاس ادراک ریسک استفاده شد، ضرایب برای سبک‌های منطقی، شهودی، وابسته و اجتنابی به‌ترتیب برابر با ۰/۱۱۸، ۰/۰۲۸، ۰/۰۹ و ۰/۱۸۱ بودند. روایی محتوای پرسشنامه نیز توسط متخصصین علوم شناختی و روانشناسی تأیید شد (۲۵).

برای اجرا از آزمودنی‌ها خواسته شد، پرسشنامه سبک‌های

داده ها بود، لذا از آزمون‌های پارامتریک استفاده شد. در جدول شماره ۱، همبستگی بین رگه‌های شخصیت و تغییرات زیستی ناشی از ناهماهنگی شناخت بررسی شده‌است. جدول

جدول ۱- همبستگی بین رگه‌های شخصیت و تغییرات زیستی ناشی از ناهماهنگی شناختی

رگه‌های شخصیت تغییرات زیستی	خاموشی	اجتناب منفعل	اجتناب فعال	روی‌آوری	جنگ	گریز
ضربان قلب	-۰/۳**	-۰/۴*	۰/۲**	۰/۴**	۰/۶**	-۰/۵**
تنفس	-۰/۷**	-۰/۵**	۰/۳**	۰/۶**	۰/۵**	-۰/۶**
فشار خون سیستول	۰/۰	۰/۲*	۰/۱	-۰/۴**	-۰/۰	-۰/۴**
فشار خون دیاستول	-۰/۶**	۰/۴**	۰/۴**	۰/۴**	۰/۳**	۰/۶**

\* $P < 0.05$  \*\* $P < 0.01$

جدول ۲- همبستگی بین سبک‌های تصمیم‌گیری و تغییرات زیستی ناشی از ناهماهنگی شناختی

سبک‌های تصمیم‌گیری تغییرات زیستی	شهودی	وابسته	اجتنابی	منطقی
ضربان قلب	-۰/۱	۰/۱**	۰/۳**	۰/۱*
تنفس	۰/۱	۰/۱**	۰/۲**	-۰/۰
فشار خون سیستول	-۰/۲**	۰/۳**	۰/۳**	-۰/۱*
فشار خون دیاستول	-۰/۲**	۰/۳**	۰/۳**	۰/۰

\* $P < 0.05$  \*\* $P < 0.01$

در نظر گرفت.

از دیگر نتایج اثر متغیر ناهماهنگی شناختی در ارتباط با جنسیت و متغیر شهودی با نقش عوامل زیستی واسطه‌گری حاکی از آن بود که صرفاً به صورت مستقیم بر عوامل زیستی تأثیر دارد ( $r=0.4$ ) و ارتباط بین متغیر جنسیت ( $r=0.4$ ) و هم‌چنین متغیر شهودی ( $r=0.2$ ) را با عوامل زیستی واسطه‌گری می‌کند. متغیر جنسیت نیز تنها متغیری است که هم به صورت مستقیم ( $r=0.3$ )، و هم با واسطه‌گری متغیر ناهماهنگی شناختی ( $r=0.4$ ) بر عوامل زیستی تأثیر می‌گذارد. در نهایت، متغیرهای منطقی ( $r=0.3$ )، اجتنابی ( $r=0.3$ )، و وابسته ( $r=0.1$ )، جزء متغیرهایی هستند که صرفاً به صورت غیرمستقیم بر عوامل زیستی تأثیر می‌گذارند. از این بین، متغیرهای منطقی، اجتنابی، و وابسته، با واسطه‌گری جنسیت، و شهودی هم با واسطه‌گری جنسیت ( $r=0.1$ ) و هم با واسطه‌گری ناهماهنگی شناختی ( $r=0.1$ ) بر عوامل زیستی تأثیر می‌گذارند. بنابراین، دو متغیر جنسیت و

هم‌چنین نتایج دیگر حاکی از آن بود همبستگی متغیر ناهماهنگی شناختی تنها متغیری است که صرفاً به صورت مستقیم بر عوامل زیستی تأثیر دارد ( $r=0.4$ ) و ارتباط بین متغیر جنسیت ( $r=0.5$ ) و هم‌چنین متغیر روی‌آوری را با عوامل زیستی ( $r=0.2$ ) واسطه‌گری می‌کند. متغیر جنسیت نیز تنها متغیری است که هم به صورت مستقیم ( $r=0.3$ )، و هم با واسطه‌گری متغیر ناهماهنگی شناختی ( $r=0.5$ ) بر عوامل زیستی تأثیر می‌گذارد. در نهایت، متغیرهای جنگ، گریز، اجتناب فعال، اجتناب منفعل، خاموشی و روی‌آوری جزء متغیرهایی هستند که صرفاً به صورت غیرمستقیم بر عوامل زیستی تأثیر می‌گذارند. از این بین، متغیرهای جنگ ( $r=0.4$ )، گریز ( $r=0.4$ )، اجتناب فعال ( $r=0.3$ )، اجتناب منفعل ( $r=0.1$ )، خاموشی ( $r=0.1$ ) هم با واسطه‌گری جنسیت و هم با واسطه‌گری ناهماهنگی شناختی بر عوامل زیستی تأثیر می‌گذارند. بنابراین، دو متغیر جنسیت و ناهماهنگی شناختی را می‌توان به عنوان متغیرهای وابسته درونی این مدل تجربی

ناهماهنگی شناختی ایجاد شده رابطه وجود دارد و این یافته در راستای تأیید پژوهش‌های قبلی قرار گرفت (۱۵-۱۱). سبک تصمیم‌گیری شهودی ارتباط معکوس و معنادار با فشار خون چه نوع سیستول و چه نوع دیاستول آن است، به این معنا که سبک تصمیم‌گیری شهودی کاهش فشار خون را بر اثر ناهماهنگی شناختی پیش‌بینی می‌کند. سبک تصمیم‌گیری منطقی دارای ارتباط مثبت، مستقیم و معنادار با ضربان قلب و ارتباط معکوس و معنادار با فشار خون سیستول است، در مورد سبک تصمیم‌گیری اجتنابی و سبک تصمیم‌گیری وابسته نیز می‌توان گفت این دو نوع سبک تصمیم‌گیری با همه شاخص‌های زیستی ارتباط مثبت و مستقیم داشتند.

### نتیجه‌گیری

مطالعه نشان داد سبک‌های تصمیم‌گیری و ویژگی‌های شخصیتی تغییرات زیستی ناشی از ناهماهنگی شناختی را پیش‌بینی می‌کنند. مطالعه انجام شده تنها یک بخش بنیادی از روانشناسی اجتماعی و ناهماهنگی شناختی را تحت پوشش قرار می‌داد. از آنجا که قبلاً و در کشورهای دیگر از ناهماهنگی شناختی و مداخلات مبتنی بر آن در حیطه‌های کنترل وزن، ارتباط بین فردی، ایدز، رضایت شغلی، مصرف سیگار، مصرف الکل، استفاده شده‌است و اهمیت یافته‌های این مطالعات از آن جهت است که نشان می‌دهد ممکن است یافته‌های پیشین ناهماهنگی شناختی، در همه گروه‌های جمعیتی، مبتلایان به اختلالات روانپزشکی و صفات شخصیتی گوناگون، صادق نباشد بنابراین توصیه می‌شود این مداخلات در گروه‌های جمعیتی مختلف ایرانی نیز به کار برده شود.

ناهماهنگی شناختی را می‌توان به‌عنوان متغیرهای وابسته درونی این مدل تجربی در نظر گرفت.

### بحث

مطالعه نشان داد بین رگه‌های شخصیتی و میزان ناهماهنگی شناختی ایجاد شده رابطه وجود دارد و این یافته در راستای تأیید پژوهش‌های مختلف، قرار می‌گیرد (۲۱-۱۸). با این حال هرچند پژوهش‌های یاد شده همانند مطالعه حاضر بر وجود ارتباط میان ناهماهنگی شناختی و صفات شخصیتی صحت گذاشتند و یافته‌های مطالعه حاضر در این زمینه در راستای پژوهش‌های گذشته قرار می‌گیرد، اما مطالعه حاضر داده‌های بیشتری با تأکید بر زمینه‌های زیستی شخصیت هم به دست می‌دهد از آن جمله که افزایش نمرات گریز و روی‌آوری با کاهش نمرات ناهماهنگی شناختی ارتباط دارد و افزایش نمرات جنگ، خاموشی و اجتناب فعال با افزایش نمرات ناهماهنگی شناختی مربوط است. بنابراین هرچند ارتباط شاخص‌های زیستی با ناهماهنگی شناختی تأیید شده (و مطالعاتی در زمینه‌های کنترل وزن (۲۹-۲۶)، ارتباط بین فردی (۷ و ۸)، ایدز (۹)، رضایت شغلی (۳۰)، مصرف سیگار (۳۳-۳۱)، مصرف الکل (۲۴ و ۲۵) وجود دارند)، اما پژوهشی که ویژگی‌های شخصیتی را به‌عنوان پیش‌بین تغییرات زیستی ناشی از ناهماهنگی شناختی در نظر بگیرد در جستجوی سایت‌های اینترنتی از سال ۲۰۰۷ به بعد دیده نشده، لذا مطالعه حاضر، اولین مطالعه در این حیطه به شمار می‌رود و یافته‌های آن قابل مقایسه با مطالعه‌های گذشته نیست. نتایج مطالعه حاضر نشان داد ویژگی‌های شخصیتی، تغییرات زیستی ناشی از ناهماهنگی شناختی حاضر نیز نشان داد بین سبک‌های تصمیم‌گیری و میزان

### REFERENCES

- Gawronski B. Back to the Future of Dissonance Theory: Cognitive Consistency as a Core Motive. *Social Cognition*, 30(Special Issue: Threat-Compensation in Social Psychology: Is There a Core Motivation?). 2012, 652-668.
- Van Veen V, Krug M.K, Schooler J.W, Carter CS. Neural Activity Predicts Attitude Change in Cognitive Dissonance. *Nature Neuroscience*, 2009, 12: 1469 – 1474.
- Lada A. Cognitive Dissonance and the Success of Democracy., Available at SSRN: <http://ssrn.com/abstract=1345417> or <http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.1345417>. 2009.
- Michael P, Nichols M.P, Marshall P, Duke M.P. Cognitive Dissonance and Locus of Control: Interface of Two Paradigms. *The Journal of Social Psychology*, 1997, 101(2):291-297. Published online: 01 Jul 2010: DOI:10.1080/00224545.1977.9924019.

5. Masataka N, Perlovsky L. Music Can Reduce Cognitive Dissonance. Available from Nature Precedings <http://hdl.handle.net/10101/npre.2012.7080.1>.
6. Perlovsky L, Cabanac A, Bonniot-Cabanac M-C, Cabanac M. Mozart Effect, Cognitive Dissonance, and the Pleasure of Music. *Behavioural Brain Research*, 2013, 244:9–14.
7. Xinyue Z, Liwei Z, Lixing Z, Nan G. The Act of Rejecting Reduces the Desire to Reconnect: Evidence for a Cognitive Dissonance Account. *Journal of Experimental Social Psychology*, 2009, 45(1):44–50.
8. Dessalles J-L. Sharing Cognitive Dissonance as a Way to Reach Social Harmony. *Social Science Information*, 2011, 50 (1):116-127.
9. Mannberg A. Risk and Rationalization—the Role of Affect and Cognitive Dissonance for Sexual Risk Taking. *European Economic Review*, 2012, 56(6):1325–1337.
10. Wakslak C.J. The Experience of Cognitive Dissonance in Important and Trivial Domains: A Construal-Level Theory Approach. *Journal of Experimental Social Psychology*, 2012, 48(6):1361–1364.
11. Brijball S. Consumers' Perceptions of Personal Decision-making: Its Relation to Cognitive Dissonance. *SA Journal of Industrial Psychology*; 2002, 26(2):37-43.
12. Koller M, Salzberger T. Heterogeneous Development of Cognitive Dissonance over time and its Effect on Satisfaction and Loyalty. *Journal of Customer Behaviour*, 2012, 11(3):261-280.
13. George BP, Edward M. Cognitive Dissonance and Purchase Involvement in the Consumer Behavior Context. *The IUP Journal of Marketing Management*, 2009, VIII (3& 4):7-24.
14. Ishida, J. Vision and Flexibility in a Model of Cognitive Dissonance. ISER Discussion Paper No. 771. Available at SSRN:2010, <http://ssrn.com/abstract=1550568> or <http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.1550568>.
15. Allahyani M. The Relationship between Cognitive Dissonance and Decision-Making Styles in a Sample of Female Students at the University of Umm Al Qura. *Education*, 2012, 132 (3):641-663.
16. Mansouri Sepehr R, Bagherian F, Heidari M . Cognitive Dissonance and Attitude Change: the Role of Different Standards in Dealing with Self-esteem. *APPLIED PSYCHOLOGY*; 2001, 5(1(17)):116-110. (Full text in Persian).
17. Mansouri Sepehr R, Khodapanahi MK, Heidari Mahmoud. Cognitive Dissonance: Focus on Moderating Effects of Self-esteem and Attitude Change. *APPLIED PSYCHOLOGY*; 2002, 6 (2 (22)):25-40. (Full text in Persian).
18. Zhu Y-h, Zhang Z-f, Shao H-y. The Relationships between College Students' Attributional Style, Cognitive Dissonance, Personality and Depression. *Chinese Journal of Behavioral Medical Science*. 2006, R395.
19. Murray AA. The Effects of Psychopathy and Machiavellianism on Cognitive Dissonance. ETD Collection for University of Texas, El Paso. 2009, Paper AAI1465221.
20. Al Otaibi S.M.B. The Relationship between Cognitive Dissonance and the Big-5 Factors Model of the Personality and the Academic Achievement in a Sample of Female Students at the University of Umm Al-Qura. *Education*, 2012, 132(3):607-624.
21. Murray AA, Wood JM, Scott O, Lilienfeld SO. Psychopathic Personality Traits and Cognitive Dissonance: Individual Differences in Attitude Change. *Journal of Research in Personality*, 2012, 46(5):525–536.
22. Jarcho JM, Berkman ET, Lieberman MD. The Neural Basis of Rationalization: Cognitive Dissonance Reduction during Decision-making. *Soc Cogn Affect Neurosci*, 2011, 6 (4):460-467.
23. Izuma K, Matsumoto M, Murayama K, Samejima K, Norihiro S, Matsumoto K. Neural Correlates of Cognitive Dissonance and Decision Conflict. 2013, *Advances in Cognitive Neurodynamics*, III:623-628.
24. Ashrafi E. Gray-Wilson Personality Questionnaire to Evaluate the Psychometric Properties in Iranian Students 1995, Master thesis in General Psychology . Tarbiat Modares University. (Full text in Persian).

25. Zare H, Abdullah Zadeh H. Measures in Cognitive Psychology ( first edition). 2012, Tehran: Yyzh. (Full text in Persian).
26. Cao Y, Just DR. Cognitive Dissonance under Food-Borne Risk: A Lab Experiment. Agriculture and Agricultural Science Procedia, 2010, 1:364–371.
27. Becker CB, Wilson C, Williams A, Kelly M, McDaniel L, Elmquist J. Peer-facilitated Cognitive Dissonance versus Healthy Weight Eating Disorders Prevention: A Randomized Comparison. Body Image, 2010, 7(4):280–288.
28. Ciao AC, Latner JD. Reducing Obesity Stigma: The Effectiveness of Cognitive Dissonance and Social Consensus Interventions. Obesity, 2011, 19(9):1768–1774.
29. Luethcke, C.A., McDaniel, L., Black Becker, C. A comparison of mindfulness, nonjudgmental, and cognitive dissonance-based approaches to mirror exposure. Body Image, 2011, 8(3): pp. 251–258.
30. Fontenot HB, Joellen W, Hawkins JW, Weiss JA. Cognitive Dissonance Experienced by Nurse Practitioner Faculty. Journal of the American Academy of Nurse Practitioners, 2012, 24(8):506–513.
31. Glock S, Kneer J. Are Deterrent Pictures Effective? The Impact of Warning Labels on Cognitive Dissonance in Smokers. Applied Psychology: Health and Well-Being, 2009, 1(3):356–373.
32. Fotuhi O, Fong GT, Zanna MP, Borland R, Yong H-H, Cummings KM. Patterns of Cognitive Dissonance-reducing Beliefs among Smokers: a Longitudinal Analysis from the International Tobacco Control (ITC) Four Country Survey. Tob Control, 2013, 22:52-58. (Full text in Persian).
33. Voisin D, Stone J, Becker M. The Impact of the Antitobacco Norm on the Selected Mode of Cognitive Dissonance Reduction. Journal of Applied Social Psychology, 2013, 43(1):57–67.
34. Mylvaganam K. The Role of Ambivalence and Cognitive Dissonance in Motivational Interviewing for Alcohol Problems. 2009, D.Clin.Psychol thesis, University of Leeds.
35. Glatz T, Stattin H, Kerr M. A Test of Cognitive Dissonance Theory to Explain Parents' Reactions to Youths' Alcohol Intoxication. Family Relations, 2012, 61(4):629–641.

## Original Article

## Predicting of Physiological Changes through Personality Traits and Decision Making Styles

Saeed Imani<sup>1\*</sup>, Maryam Zare<sup>2</sup>, Alireza Aghayoosefi<sup>3</sup>, Hossein Zare<sup>4</sup>, Farhad Shaghghi<sup>5</sup>

1. Assistant Professor of Clinical Psychology, Department of Clinical Psychology, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.

2. PhD of Psychology, Department of Psychology, Payam-E- Noor University, Tehran, Iran

3. Associated Professor of Psychology, Department of Psychology, Payam-E- Noor University, Tehran, Iran.

4. Professor of Psychology, Department of Psychology, Payam-E- Noor University, Tehran, Iran.

5. Assistant Professor of Psychology, Department of Psychology, Payam-E- Noor University, Tehran, Iran.

\* **Corresponding Author:** Saeed Imani, Department of Clinical Psychology, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.

Email: s\_imani@sbu.ac.ir

**Received:** 21 April 2016

**Accepted:** 26 June 2016

**Published:** 18 August 2016

How to cite this article:

Imani S, Zare M, Aghayoosefi A, Zare H, Shaghghi F. Predicting of Physiological Changes through Personality Traits and Decision Making Styles. *Community Health* 2016; 3(3): 211-18.

### Abstract

**Background and Objective:** One of the important concepts of social psychology is cognitive dissonance. When our practice is in conflict with our previous attitudes often change our attitude so that we will operate in concert with; this is cognitive dissonance. The aim of this study was evaluation of relation between decision making styles, personality traits and physiological components of cognitive dissonance and also offering a statistical model about them.

**Materials and Methods:** In this correlation study, 130 students of Elmi-Karbordi University of Safadasht were invited and they were asked to complete Scott & Bruce Decision-Making Styles Questionnaire and Gray-Wilson Personality Questionnaire. Before and after distributing those questionnaires, their physiological conditions were recorded. Cognitive dissonance was induced by writing about reducing amount of budget which deserved to orphans and rating the reduction of interest of lovely character that ignore his or her fans. Data analysis conducted through regression and multi variate covariance.

**Results:** There were correlation between cognitive styles (Avoidant, dependent, logical and intuitive) and also personality variables (Flight and Approach, active avoidance, Fight and Extinction) with cognitive dissonance. The effect of cognitive (decision making styles) and personality variables on physiological components was mediate indirectly through cognitive dissonance, in levels of  $P=0.01$  and  $P=0.05$  difference, was significant.

**Conclusion:** Decision making styles and personality traits are related to cognitive dissonance and its physiological components, and also predict physiological components of cognitive dissonance.

**Keywords:** Decision making styles, personality traits, Cognitive dissonance, Physiological components